

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

پیچیدگی همراه با دشواری‌ها و پیش‌نویس موضعگیری واحد نفرت‌فزاینده میان افغان‌ها از واکنش‌های ایالات متحده در کشور ریشه‌های ساختاری نظام سیاسی در دوران پس از جنگ

افراطیت "بلک و اتر" افغانی وزیرمجموعه‌های تروریستی
جنگ راهبردی بین‌المللی و بهم‌ریختگی خارجی
صلح با "طالب"‌ها یا مدینه فاضله موهوم
تمرکز بر علت‌العلل حوادث و نمادها

یاددهانی این واقعیت لازمی پنداشته میشود که توده‌های میلیونی کشور عزیزما افغانستان بدلیل ماهیت معنوی و انسان‌محورانه، باید سبب ایجاد تأثیرها و بازتاب‌های متفاوتی در منطقه و نظام موجود بین‌المللی گردند. زیرا از یکجانب، اسلام سیاسی در اوج مدرنیته باز تعریف گردیده و از جانب دیگر عناصر فکری جدیدی مانند آزادی و استقلال، مردم‌سالاری و بیگانه‌ستیزی که بخشی از گفتمان مطرح بود، وارد گفتمان سیاسی جهان گردید. در سطح امنیتی نیز این ایده را باید مطرح نمود که راه امنیت در منطقه و کشور عزیزما، عدم مداخله قدرت‌های منطقوی و فرامنطقوی در امور داخلی افغانستان پنداشته می‌شود. حضور فعال قدرت‌های منطقوی را می‌توان بوضاحت در تنش‌ها و درگیری‌های موجود کشور مشاهده نمود. قدرت‌های یادشده، با ایجاد و خلق گروه‌های تروریستی خطرناکی چون "داعش"، میلیتاریزه نمودن منطقه و اجرای سناریوهای مختلف، منطقه را با معضلات امنیتی گسترده‌ای مواجه نموده‌اند.

در نخست و قبل از همه موارد موجود و مسایل مطرح، یاددهانی این مسأله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که پس از عودت نظامیان امریکایی از افغانستان، کدام کشورها و چه نیروهایی جایگزین نظامیان یادشده خواهند گردید؟ در این مورد، توافقنامه ایالات متحده و "طالب"‌ها تاکنون از طرق دوگانه‌ای کارآمد داشته‌است. نیا یاد فراموش نمود گروه‌هایی وجود دارند که در قید و بند مراعات نمودن شرایط نمی‌باشند. از جانب آنها چنین پنداشته می‌شود که پیمان و مؤافقتنامه‌ای (آنچه که انتظار برده می‌شد)، اصلن وجود نداشته و همه مسایل و موارد بروال قبلی در جریان می‌باشد. همچنان در مورد تبادل زندانی‌ها نیز مسایل عدیده و قابل تأملی وجود داشت. "طالب"‌ها خواستار رهایی آن‌ده از زندانیانی نیز شدند که بجرم حملات مستقیم علیه امریکایی‌ها زندانی گردیده بودند که در نتیجه، جانب امریکایی‌ها در پذیرش امریادشده دچار لنگش شده و معامله‌ای در مورد مطرح بحث قرار گرفت. اما با وجود اینهمه و با کمال تأسف که همه روزه، نظامیان کشور عزیزما به قربانگاه فرستاده شده و ذبح می‌گردند. عفوبین الملل نیز بر علیه از دیداد انجام حملات خونین در کشور ما اعتراض نموده و یاد آور شد که طرف‌های مذاکره‌کننده در محافظت و حفظ جان غیرنظامیان کشور کوتاهی می‌نمایند. این غیرنظامیان و افراد ملکی بیدفاع کشوراند که به‌های هنگفت درگیری‌های مسلحانه را می‌پردازند. مسؤل امور آسیای جنوبی در سازمان عفوبین الملل متذکر گردیده یادآور شد که جهان و جهانیان باید متوجه این امر بوده و باین بیاندیشند که غیرنظامیان کشور همه روزه و بگونه‌های متفاوتی از هستی ساقط می‌گردند. نامبرده ادامه داده افزود در حالی که طرف‌های درگیری در مورد صلح و تداوم گفتگوها بمنظور مصالحه در حال رأی‌زنی می‌باشند، اما شاهد تشدید و خامت اوضاع امنیتی و بویژه تحمیل مصایب درگیری‌های یادشده با افراد ملکی

کشور می باشیم. همچنان عفوبین الملل اعلام نمود که در امتداد هفته های پستین بتعداد ۵۰ تن از افراد ملکی کشور ما بخاک و خون کشیده شدند. از جمله مسایل قابل توجه یکی هم اینکه بویژه در مورد آینده نیروهای دو لتی و چگو نگی سرنوشت جنگجویان "طالب" باید یک راه حل جامع جستجو گردد. چنانچه یادآوری بعمل آمد که همزمان با تداوم گفتگوهای صلح میان افغانی، اما میان طرف های داخلی درگیری های کشور، بویژه حملات مسلحانه "طالب" ها و سایر گروه های مخالف دولت به مواضع دولتی و مناطق و محلات ملکی کشور همچنان ادامه دارد. آیا با عودت و خروج نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما، صلح و امنیت بافغانستان جنگ زده ما باز خواهد گشت؟ آیا کشور عزیز ما در آستانه عصر جدیدی قرار دارد؟ ببینید، ایالات متحده در صدد فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان می باشد. بخاطر ما باشد که خروج نظامیان امریکایی از کشور ما، یکی از جمله پیش شرط هایی بود که از جانب "طالب" ها بمنظور آغاز و تداوم مذاکرات صلح میان افغانی مطرح گردید. بمثابه نتایج حاصله ملاقاتها و گفتگوها میان ایالات متحده و "طالب" ها، در مورد مسایل دوگانه ای بشرح زیر توافق بعمل آمد:

ایالات متحده و همپیمانانش، اساسن، آماده فراخواندن نظامیان شان از اراضی متعلق بافغانستان بوده و در مقابل، "طالب" ها نیز از هر نوع فعالیت علیه امریکایی ها و متحدین آن کشور از سرزمین افغانستان جلوگیری بعمل آورده و امکانات اقدام انجام عملیات انتقامجویانه ضد امریکایی توسط گروه های تروریستی را محدود نمایند. وضعیت و شرایط منحصر بفرد در کشور عزیز ما باین واقعیت صراحت می بخشد و در داخل ایالات متحده نیز بر این امر اعتقاد راسخ دارند که کشور شان بگونه مستقلانه قادر به کنترل و نظارت وضعیت کنونی در افغانستان نمی باشد. بر بنیاد همین واقعیت، بزودی پس از مذاکرات امریکایی ها و "طالب" ها، اداره و اشنگتن نما ینده ویژه اش در امور کشور ما را به کابل فرستاد تا از نتایج مذاکرات و گفتگوهای یاد شده، اشرف غنی رئیس جمهوری کشور را در جریان قرار دهد. سپس، رئیس جمهور کشور طی صحبت تلویزیونی، خطاب به "طالب" ها در مورد مذاکرات و گفتگوهای مستقیم میان افغانی، بیانیه اش راسر تاپا قرائت نموده و خواهان پایان بخشیدن به درگیری های مسلحانه در کشور و عودت نظامیان خارجی به کشورهای شان گردید تا بیش از این بحضور شان در کشور ما خاتمه بخشند. قابل یاد دهنی پنداشته می شود که بدون مشارکت و سهمگیری نماینده های دولت در مذاکرات یاد شده اینچنینی، بویژه مذاکرات و گفت و شنودهایی که در مورد سرنوشت و آینده کشور آنها در عقب درهای بسته و دور از چشم دوات افغانستان صورت می گیرد، خلاف کلیه نورم ها و اصول پذیرفته شده حقوق بین الدول پنداشته شده و با اصل عمومی روابط دیپلوماتیک بمفهوم وسیع کلمه در تضاد و مخالفت صریح قرار داشت. نباید فراموش خاطر ما شود که حصول توافق و انجام تعامل پستین و اشنگتن - "طالب" در مناسبات موجود، بیشتر به مضحکه ای شبیه می باشد که هیچیک از شرکت کنند های درگیری ها در کشور قرار نیست تا کلیه شرایط و همه اهداف خویش را در آن بر آورده سازند. همچنان، همه بخوبی از این واقعیت آگاه می باشند کآخرین سخن و حدیث تداوم درگیری های مسلحانه را "کلاشنیکوف" خواهد گفت و نه دیپلوماسی.

در امتداد ماه های پستین، با نشر اخبار و گزارش های ناراحت کننده ای در مورد گسترش و ویروس کووید - ۱۹ در کشور، در کنار موجودیت درگیری های مسلحانه، اسباب ناراحتی بیشمار همشهریان ما را نیز سبب گردید. اما این مسأله قابل تذکر پنداشته می شود که ظاهرن کابل، بواقعیت اهداف صلح آمیز طرف مقابل اصلن اعتمادی ندارد. پس از توافق های ایالات متحده با "طالب" ها در قطر، در درگیری های موجود در کشور کاهشی رونما نگردیده بلکه همچنان تداوم کسب نمود. تصور می گردد با عقب نشینی نظامیان امریکایی، احتمال دامن زدن بانقلابجویی ها نیز موجود می باشد که می توان بگونه نمونه از درگیری های اخیر نامبرد که در نتیجه با اجرای عملیات نیروهای هوایی کشور و انجام حملاتی علیه مواضع مخالفان مسلح، ده ها تن از جنگجویان مخالف همراه با دوتن از قوماندان های آنها کشته شدند.

شایان تذکر است که "طالب" ها بمنظور کسب امتیازات سیاسی، آماده پیروی از نکات کلی توافقنامه قطر، آنها بگونه مشروط و در روی کاغذ می باشند. افراطیون اصلن قصد نداشته وحتا در صدد آن نیز نمی باشند تا از سیاست آزمایش شده و تکراری "تیر اندازی - گفتگو - تیر اندازی" منصرف گردیده و از اجرای آن ابا ورزند. متأسفانه که در حال حاضر موقف اینچنینی بگونه ای برای آنها موفقیته آمیز بوده است. اگرچه امکانات تأثیر گذاری و مؤثریت نیروهای یاد شده و سرایت ایده های بنیادگرایانه آنها به کشورهای همجوار افغانستان و از جمله به کشورهای آسیای میانه دور از انتظار محسوب نمی گردد، با وجود آنها، بویژه دوشنبه بخوبی آگاه می باشد

که هر نوع اقدام گروه و دسته بندی ای که بمنظور رخنه و نفوذ بآنسوی دریای پنج صورت گیرد، به سختی منکوب خواهد گردید. اما بخاطر باید داشت که اعلام فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما، می تواند آرزومندی ها بین المللی و اشتهای سیری ناپذیر مخالفان مسلح کشور را تحریک نماید. بسیاری ها این پرسش را مطرح می نمایند که وضعیت نظامی در افغانستان بر بنیاد کدام واقعیت ها قرار داشته و آیا دسیسه های دوجانبه کابل - واشنگتن، از جمله بگونه ویژه در آسیای میانه بر چه منوالی سیر خواهد نمود. آیا می توان با این ادعای غربی ها که آغاز جنگ و درگیری های مسلحانه در اراضی کشور ما را "غافلگیری در افغانستان" عنوان می نمایند، موافق بود؟ قبل از همه، در مورد متذکره، یادآوری این مسأله لازمی بنظر می رسد که آیا "طالب" ها با این گفته سون تسه چینیایی که گفته "جنگ فریب است و خدعه ای بیش نمی باشد"، آشنایی دارند؟ بگفته کارشناسان و دست اندرکاران مسایل منطقوی، چنانچه بگونه مکرر اظهار گردیده که منظور و هدف جد و جهد و جنگ کنونی "طالب" ها نه بمنظور تأمین صلح و امنیت در کشور، بلکه بمنظور کسب قدرت سیاسی بوده و تمامی توافق ها و تفاهمنامه های صلح را بمنزله سازش های مؤقتی و گذراً بمنظور دستیابی به هدف یادشده پنداشته که نقض آنهمه را نه تنها امکان پذیر دانسته، بلکه بمثابه ضرورت جدی محسو ب می نمایند.

پیشینی هایی نیز توسط برخی از ناظران بعمل می آید که اگر اداره واشنگتن، نظامیان ایالات متحده را از اراضی افغانستان فراخواند، در چنین وضعیتی، بنیادگرهای افراطی با بکارگیری و استفاده از امکانات ریزرفی شان، با نیروهای دولتی به جنگ و نبرد تمام عیار مبادرت خواهند ورزید.

تذکر این مسأله لازمی پنداشته می شود که بر بنیاد تیزس های ارائه شده، آیا جنگ در کشور عزیز ما افغانستان، از یک جنگ متعارف امپریالیستی، عمدتاً به یک جنگ داخلی مبدل خواهد گردید؟ "طالب" ها چنین می پندارند که اثربخشی هرگونه مذاکره و گفتگو با دیپلوماسی، بلکه با نیروی قهریه و بکارگیری زور و فشار و اجرای عملیات بیرحمانه مسلحانه بستگی دارد، بنابراین بنظر آنها از استفاده و بکارگیری هیچ روش و شیوه ای بمنظور عقب نشینی نظامیان امریکایی نباید خودداری بعمل آید.

اما ایالات متحده که بمثابه تضمین کننده و مدافع عدالت، دموکراسی، صداقت و ۰۰۰ وارد میدان گردیده، از ظرفیت و توانایی حل و فصل مشکلات موجود برخوردار نبوده و با امضای توافقنامه قطر، خویش را ناگزیر با اجرای عملی آن می شمرد.

باید یادآور شد که از این نقطه نظر، واشنگتن خودش را بدام انداخته و دونالد ترامپ که قول خاتمه جنگ در افغانستان را داده است، اکنون مناسب خواهد بود تا بگونه عمده بنفع "طالب" ها لابی گری نماید.

در شرایط و وضعیت کنونی، بیش از هر زمان دیگری، این واقعیت آشکار می گردد که در مجموعه گروه یادشده ("طالب" ها)، تغییرات نسلی پدیدار گردیده است، باین مفهوم که شاخه نظامی تروریست ها آخرین توسط ملأ یعقوب، پسر ملأ عمر رهبری می گردد. طی مدت زمان یک سال و نیم، بگونه مکرری در مورد مرگ نامبرده اخباری بنشر رسید که بخودی خود، در چنین یک وضعیتی باتوریت نامبرده افزوده شد. ملأ یعقوب آرزو دارد این واقعیت را باثبات رسانده و سایرین را نیز متقاعد سازد که نامبرده ادامه دهنده راه و رسم پدرش می باشد. با این حال، خواستن، یک چیز و اما دستیابی بآن چیز دیگری می باشد. توانایی و درک همراه با وسواس، دقیق همان چیز است که "طالب" ها فاقد آن می باشند. نباید فراموش خاطر ما گردد کابل که منتظر فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان نشده و بگونه گلی، خودش رابه پیمان قطر مقید نمی پندارد، از قبل و جلوتر از منحنی مورد نظر، به بازی آغاز نمود.

با در نظر داشت وضعیت اینچنینی کشور عزیز ما، بویژه طی سال های پسین، در مجموعه قوت های مسلح کشور، واحدهای سیار خدمات ویژه بمنظور از بین بردن و نابود نمودن تروریست ها در اراضی و قلمرو تحت تسلط آنها، به تداوم جنگ پارتیزانی همت گماشتند.

بخاطر ما باشد که قوت های مسلح دولتی، سازماندهی عملیات تهاجمی دقیق و سنجیده شده ای را رویدست گرفته، با فشار و استفاده از نیروهای جنگی و رزمی، قدمه های متوسط و میانه "طالب" ها را تضعیف نموده و خسارات و صدمات قابل توجهی بآنها وارد، خطوط دفاعی زنجیره ایی آنان را نابود نموده و از بین می برند. چگونگی انجام و تداوم عملیات هایی از نوع متذکره، با وجود حملات پیاپی مخالفان مسلح به مراکز و پوسته های امنیتی، مفید و مؤثر بود. خاطر نشان می گردد که "طالب" ها با وجود تلاش ها و انجام فعالیت های گسترده

تهاجمی، پیروزی آنچنانی و موفقیت قابل توجهی را نصیب نگرديده و موفق به تصرف شهرها و يامراکز محلات کشور نگردیدند.

پایگاههای امریکایی موجود در کشور ما، تاکنون نیز گویا در موقعیت دفاع از نیروهای مسلح افغانستان قرار دار ند. در این مقطع پرسشی مطرح می گردد که اما اگر امریکایی ها، قوت های مسلح کشور را تنها رها نموده و از افغانستان رخت سفر بربندند، آیا چنین امری مخالفان مسلح را در مبارزه کنونی، بیشتر از پیش تشجیع خواهد نمود؟ جامعه بین المللی می تواند بر اسلام آباد فشار وارد نماید تا استخبارات پاکستان اردوگاههای مخا لفان مسلح کشور ما را از اراضی متعلق به پاکستان برچیند. با این حال، اما آیا ایالات متحده ترجیح می دهد تا از ادامه درگیری کنونی در کشور ما فاصله گرفته و امکانات و ظرفیت های توطئه نیروی ثالث را نیز در نطفه خفه نماید؟

با چنین وضعیت و اوضاع و احوال کنونی، آیا ایالات متحده در امتداد بیست سال جنگ، بهمه اهداف گنجانیده شده و پیشبینی شده اش در طرح مربوط به کشور ما نایل گردید که بگفته معروف، اکنون "دم سگ را تکان می دهد."

با موجودیت چنین وضعیت متناقض و باوجود آنکه افغانستان و ایالات متحده دارای ارزش های متفاوتی می باشند، آیا می توان ناظر اثرگذاری و مؤثریت عملکردها و اقدامات کابل برواشنگتن بود؟ بگونه مثال، چندی قبل اطلاعات و گزارش های جنجالی در مورد ارائه مبالغی توسط فدراتیف روسیه به "طالب"ها بمنظور کشتن نظامیان امریکایی به نشر رسید. بخاطر آوریم که طی ماه جنوری سالروان، پنتاگون نیز اعلامیه ای درباره اقدامات یادشده را به نشر سپرد.

اما یکروز پس از آن، دونالد ترامپ بگونه رسمی ابلاغ نمود که استخبارات ایالات متحده چنین می پندارد که اطلاعات منتشر شده در مورد سهمگیری و شرکت فدراتیف روسیه در امر کشتن نظامیان امریکایی ناقص بو ده و با واقعیت سازگار نمی باشد. سه روز پس از آن، "طالب"ها نیز اظهار نمودند که آنها مبارزان راه اسلام بوده و نه کارمندان مزدور مسکو.

با وجود اینهمه، پرسش ساده و بسیطی در مورد توانایی های فکری نازل مبلغان اطلاعاتی ایالات متحده مطرح می گردد که خود بعض اقدامات مؤثرتر، مجبورند تا موضوع و مطلبی را بگونه سهل و ساده بدست بیاورند. با در نظر داشت وضعیتی که از جانب متفکران امریکایی ابداع می گردد، ایالات متحده به وسعت و گسترش تعزیرات وضع شده علیه بسیاری از کشورها مبادرت می ورزد.

اما در مورد کشور عزیز ما باید یادآور شد که آیا کابل، بگونه ناگهانی با فشارهای واشنگتن مواجه خواهد شد؟ چنین امکانی برای کشور ما محتمل بنظر می رسد.

اما وضعیت سیاسی - اجتماعی در کشور ما از ثبات لازم و آنچنانی برخوردار نبوده، "طالب"ها و سایر مخالفان مسلح با اقدامات تهاجمی و انجام انتحار و انفجار مبادرت می ورزند. دولت افغانستان بمنظور دفع حملات تلافی جویانه مخالفان مسلح، از جامعه جهانی تقاضای ارائه مساعدت ها و پشتیبانی های هوایی را بگونه مکرر به عمل آورده است.

این امکان نیز محتمل بنظر می رسد که "طالب"ها در نظر داشته باشند با تکیه بر پیروزی های شان، در مذاکرات آینده صلح کشور، برگ برنده ای در دست داشته باشند.

اما با توجه باهمیت مسأله مورد بحث و با دقت و موشگافی در کلیت آن، باین واقعیت مسلم معترف خواهیم شد که تغییر در نحوه و چگونگی طرز نگاه به قضایای موجود و دگرگونی در مجموعه عملکردهای دولت و قوت های مسلح کشور، می توان منتظر آن بود که وضعیت عمومی بمفهوم وسیع کلمه غیر از آنچه "طالب"ها در انتظار آن بوده و پیشبینی می نمایند، شکل گرفته و شاهد ثبات پایدار و امنیت سراسری در اراضی کشور عزیز ما افغانستان باشیم. اما تنها و صرف ابراز آرزومندی ها و تقاضاهای صلحجویانه و بشردوستانه نه، بلکه کار و پیکار هدفمند و مبارزه بی امان بمنظور از قوه بفعل مبدل نمودن خوشبختی و رفاهیت شهروندان میهن عزیز ما باید در دستور کار قرار داده شود تا بیشتر از این، شاهد ویرانی کشور و کشتن و بخاک و خون کشیدن شهروندان کشور نباشیم.